

جایگاه فضای فیزیکی در شکل‌گیری حوزه عمومی

مطالعه موردی بوستان نشاط در شهر کرمان

علی اصغر کیا*

بهار زند رضوی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۵

چکیده

حوزه عمومی، مفهومی است که به فضاها و فرآیندهای ارتباطات اجتماعی آزاد، به لحاظ سیاسی برابر و در عین حال مستقل دلالت می‌کند. حوزه عمومی را قلمرویی از حیات اجتماعی دانسته‌اند که در آن می‌توان مسائل و موضوعات مورد علاقه را به بحث گذاشت. قلمرویی که در آن می‌توان اختلاف نظرات را از طریق بحث منطقی و نه توسل به جزمیات جاف‌فاده و یا با توسل به احکام سنتی صادره از سوی عرف و عادات، طرح کرده و به نتیجه رساند.

از مولفه‌های اصلی شکل‌گیری حوزه عمومی مشارکت است. مؤلفه سرمایه اجتماعی برای شکل‌گیری مشارکت پایدار در حوزه عمومی تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. سرمایه‌ای که اعتماد افراد را برای ورود به گفت‌وگو فراهم کرده و در نتیجه احتمال رسیدن به توافق را ممکن می‌سازد.

این مقاله با روش مطالعه موردی و با استفاده از دو ابزار مشاهده میدانی و پرسشنامه بوستان نشاط واقع در شهر کرمان را مطالعه می‌کند تا سرمایه اجتماعی و شاخص‌های شهر انسانی را در یک فضای فیزیکی به‌عنوان بستر مناسب برای تعامل پایدار اجتماعی مورد سنجش قرار دهد و نشان می‌دهد که چگونه فضای فیزیکی مناسب برای تحقق جنبه‌های اساسی حوزه عمومی تعیین‌کننده است.

واژه‌های کلیدی: فضای فیزیکی، حوزه عمومی، سرمایه اجتماعی، شهر انسانی، بوستان نشاط، شهر کرمان

مقدمه

در دنیای کنونی تلویزیون، اینترنت، پست الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه و بسیاری از تکنولوژی‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دیگر امکان ارتباط ساده و سریع را با دیگران، در سراسر دنیا فراهم می‌کنند و قدرت

* Aliasgharkia@yahoo.com

** B.zandrazavi@hotmail.com

* دانشیار ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

** دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال.

رسانه‌های مجازی در بسیاری از رخدادهای چند سال اخیر غیرقابل انکار است. با قدرت گرفتن رسانه‌های دیجیتال و آنلاین در سال‌های اخیر بسیاری از متفکرانی که دغدغه حوزه عمومی را دارند این مفهوم را به فضای آنلاین مجازی انتقال داده اندیش‌مندانی همچون نجفی و نیلوم (۲۰۰۶) اظهار امیدواری می‌کنند که فضای تازه خلق شده، بر پایه شاخص‌ها، حوزه عمومی را فارغ از روابط سلطه و مالکیت خصوصی برقرار می‌نمایند. (به نقل از یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲) اما به نظر می‌رسد چیزی که در این میان به دست فراموشی سپرده شده آن است که رسانه پیام نیست. رسانه صرفاً وسیله‌ای برای انتقال است.

در حقیقت ارتباطات غیرمستقیم و جریان به تصویر کشیده شدن آنچه دیگران در جاهای دیگر تجربه کرده‌اند نمی‌تواند با زندگی در فضاهای واقعی انسان‌ها رقابت کند بلکه مردم را به شرکت در آن‌ها و ایفای نقش تشویق می‌نماید. فرصت حضور شخصی، ملاقات رو در رو و تجربه‌های غیرقابل پیش‌بینی و شگفت‌انگیز ویژگی‌هایی هستند که به فضای عمومی، به‌عنوان مکان ملاقات پیوند خورده‌اند و این ویژگی‌ها در فضای رسانه‌های مجازی ضرورتاً قابل تحقق نیستند. هر چند رسانه‌های مجازی دسترسی را تقویت می‌کنند اما فضای عمومی فیزیکی شهر است که همچنان فرصت رویدادهای واقعی و تعاملات اجتماعی سازنده را ممکن می‌سازد. (گل^۱، ۱۳۹۲: ۳) بنابراین فضاهای عمومی درون شهر یا مکانی واقعی برای شکل‌گیری حوزه عمومی است. جایی که انسان‌ها به‌عنوان شهروندان برابر می‌توانند فرصت دیده شدن و شنیده شدن داشته باشند و از حضور یکدیگر به‌عنوان یک گروه اجتماعی بهره ببرند. (Ploeg, ۲۰۱۶)

فضای عمومی به‌نوعی با گسترش شهرنشینی ارتباط دارد. در طول یک قرن جمعیت کل جهان با سرعت از ۱/۶۵ میلیارد نفر در حدود سال ۱۹۰۰ به ۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت. اکنون در جهانی با جمعیت هفت میلیاردی این سهم به پنجاه درصد افزایش یافته است. (گل، ۱۳۹۲: ۴) در چنین شرایطی به‌ویژه در مناطق شهری، علاقه روزافزون عمومی به تقویت ارتباط اجتماعی نزدیک و چهره به چهره و نیاز به فضای بیرونی برای تعاملات اجتماعی به ضرورتی فوری بدل شده است.

برای شکل‌گیری یک فضای اجتماعی تعاملی که فرصت اندیشیدن، عمل کردن و تصمیم‌گیری‌های سیاسی اجتماعی را فراهم کند نیازمند سرمایه اجتماعی هستیم. سرمایه‌ای که در میان شهروندان یک محدود جغرافیایی اعتماد ایجاد کرده و گفتگو را به‌دوراز خشونت ممکن سازد.

اندیشمند آلمانی یورگن هابرماس^۲ ساختار جامعه را به سه حوزه خصوصی، عمومی و حکومتی تقسیم می‌کند. حوزه عمومی که محوریت بحث ما را شکل می‌دهد، آن وضعیتی است که از بحث آزاد «شکل‌گیری ارادی گفتمان» دور از اکراه و اجبار در میان افراد برابر حکایت دارد، (بائرت^۳، ۱۳۸۹: ۳۰) در آن افراد از طریق استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، زور و در شرایط برابر برای تمام طرف‌های مشارکت‌کننده مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع

^۱. Yan Gehl

^۲. Jürgen Habermas

^۳. Patrick Baert

و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را برای رسیدن به اهداف مشترک سازمان‌دهی می‌کنند و به‌منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند.

در شهرها، معمولاً ارتباطات منفعل شنیداری و دیداری زیادی وجود دارد، مانند تماشا کردن مردم و انواع رخدادهای این شکل ساده ارتباط گسترده‌ترین بخش فعالیت اجتماعی شهری است. (گل، ۱۳۹۲: ۱۸) با وجود تفاوت مشکلات شهرها در نقاط گوناگون جهان و در سطوح گوناگون توسعه اقتصادی، الگویی مشابه در همه‌جا وجود دارد و آن نادیده انگاشتن بعد انسانی در ارتباط با توسعه شهری است. یان گل (۱۳۹۲) معتقد است نه طراحان شهری و نه طراحان ترافیک هیچ‌کدام فضای شهر و زندگی شهری را در صدر دستور کار خود قرار ندادند. درحالی‌که امروزه زندگی شهری و احترام به مردم در فضای شهری باید نقشی کلیدی در طراحی شهرها داشته باشند. به بیان دقیق‌تر مفهوم شهر انسانی که او معرفی می‌کند، تقویت عبور پیاده به‌مثابه یک سیاست شهری یکپارچه به‌منظور توسعه شهرهایی زنده، امن، پایدار و سالم است. این مفهوم با تقویت کارکرد اجتماعی فضای شهری به‌مثابه فضای ملاقات محقق می‌شود و زمینه را برای دستیابی به اهداف سرمایه اجتماعی و جامعه‌ای باز و دموکراتیک فراهم می‌کند.

اما متأسفانه برنامه‌ریزی شهری در دوران جدید به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، این فعالیت‌ها و به‌خصوص ساختن فضای شهری زنده که مردم امکان و فرصت ملاقات را بدهد، نادیده می‌گیرد. تئوری‌های برنامه‌ریزی شهری قرن بیستم با اولویت قرار دادن اتومبیل به‌عنوان مقیاس، انسان را به‌عنوان موجودی مزاحم از صحنه فضای عمومی شهری حذف کردند درحالی‌که شهرهای سنتی و ارگانیک در طول زمان بر پایه فعالیت‌های روزانه رشد می‌کردند و جابه‌جایی‌ها با پای پیاده صورت می‌گرفت. (گل، ۱۳۹۲: ۵۶)

پرسشی که این مقاله در جست‌وجوی پاسخ به آن است این است که: چگونه فضای فیزیکی و شاخص‌های انسانی مرتبط با آن در عرصه عمومی می‌تواند تعاملات اجتماعی را در یک منطقه شهری تسهیل کند به طوری که سرمایه اجتماعی تقویت شود و حوزه عمومی گسترش یابد؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است که به‌نقد خصوصی سازی در عرصه‌های عمومی پرداخته‌اند از جمله پژوهش مندرج در کتاب دموکراسی و فضای عمومی. این کتاب با پژوهش میدانی در ۱۲ شهر دنیا از جمله لندن، برلین، واشنگتن، هنگ کنگ و ... تأکید می‌کند دموکراسی به طرز شگفت‌آوری به وسعت دسترس به فضای عمومی فیزیکی بستگی دارد حتی در جهان دیجیتالی امروز از اهمیت این مسئله کاسته نشده است (پارکینسون^۴، ۲۰۱۲: ۲۵)

پژوهش دیگر، مقاله‌ای است با عنوان فضای عمومی در شهرهای مدرن، چشم‌اندازی از زندگی روزمره عمومی در چهار شهر اروپایی (الویو، منچستر، اس‌تی. پترزبورگ و سوفیا) که در فاصله سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ انجام شده است. گروهی جامعه‌شناس، متخصص مطالعات فرهنگی، مردم‌شناس و جغرافیدان اجتماعی زندگی هر روزه این شهرها را مطالعه

^۴. Parkinson

کرده‌اند. زندگی شامل فضاهای کار، مصرف، فرهنگ در بخش‌های گوناگون قومیتی، طبقاتی، جنسیتی با توجه به تغییرات در طراحی و معماری فضاهای عمومی و همچنین رفتار شهروندان در مقابل توسعه و مشکلات در حال بروز است. این پژوهش معتقد است فضاهای عمومی به‌خودی‌خود هدف نیستند اما وسیله مهمی برای عملکرد بهتر زندگی عمومی در مناطق شهری است. (vornokova & pachenkov, ۲۰۱۱: ۱۲)

متن دیگری درباره اینکه، چگونه یک فضای فیزیکی مناسب، به تعاملات پایدار شهروندان کمک می‌کند: «جامعه‌شناسی در انقلاب اسپانیا» است. چرسا سورده در این‌باره توضیح می‌دهد جنبش ۱۵ می اسپانیا مبتنی بر فضای فیزیکی میدان پلاسا در شهر کاتالونیا بود، جایی که مردم فضای عمومی را به بحث و گفتگو، فکر کردن و در نهایت توافق بر سر این که می‌خواهند چگونه مسکن، بهداشت و آموزش و دیگر حوزه‌های جامعه را دوباره سازمان دهند، اختصاص داده‌اند. این جنبش از طریق انجمن‌های خودجوش شهروندان، ساختاری را بر پایه خودسازمانی جمعی جامعه مدنی ایجاد کرد. در نتیجه فضاهای عمومی به روی مردم با فرهنگ‌ها، سنین و سطح تحصیلات متفاوت گشوده شد و به تمامی آنان فرصت برابر برای بیان دیدگاه‌هایشان داده شد. (سورده^۵، ۲۰۱۱: ۲۴)

آخرین و جدیدترین پژوهشگری که در زمینه ارتباط بین فضای فیزیکی و فضای خودجوش مردمی می‌پردازد، مانوئل کاستلز در کتاب «جنبش‌های خشم و امید» است. در این کتاب وی به خیزش‌های مردمی کشورهای عربی، جنبش اسپانیا، ایسلند و آمریکا می‌پردازد. و در بخش از نظریه‌پردازی خود مفهوم مکان‌های اشغال شده و نقشی را که در این جنبش‌های می‌گیرند بر محور سه موضوع تحلیل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که اجتماعات مبتنی بر باهم بودن، سازوکاری برای غلبه بر ترس هستند. فضاهای اشغال شده بی‌معنی نیستند، دارای قدرت نمادین هستند. مکان‌هایی که وقتی سایر مجاری نمایندگی مردم بسته می‌شود اراده شهروندان را ابراز می‌کنند. مردم با ساختن اجتماعی آزاد در مکانی نمادین فضای عمومی ایجاد می‌کنند. (کاستلز^۶، ۱۳۹۳: ۲۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

مبانی نظری

شهر جایی است در آن مردم گرد هم می‌آیند، زندگی می‌کنند و بخشی از هویتشان را در آن بازمی‌یابند. از دیرباز، فضای شهری در سطوح گوناگون برای شهرنشینان به‌مثابه فضای مشترکی برای ملاقات و برقراری ارتباطات انسانی عمل کرده است.

در فضای شهری تنوع فعالیت‌ها دارای یک الگوی مرکزی مشخص است؛ طیف فعالیت‌ها می‌تواند بر اساس ضرورت درجه‌بندی شود. در یک‌سر این درجه‌بندی فعالیت‌های ضروری هدفمند قرار می‌گیرند؛ یعنی فعالیت‌هایی که مردم معمولاً مجبور به انجام آن‌ها هستند. رفتن به محل کار یا مدرسه، انتظار در ایستگاه اتوبوس و تحویل کالا به

^۵. Teresa Sordé

^۶. Manuel Castells

مشتریان این فعالیت‌ها تحت هر شرایطی انجام می‌شوند. در انتهای این درجه‌بندی، فعالیت‌های کاملاً فراغتی و اختیاری قرار دارند که مردم به آن‌ها علاقه‌مندند مانند پیاده‌روی در گردش‌گاه، سرپا ایستادن برای داشتن زاویه دید خوبی به شهر، نشستن برای لذت بردن از منظره و یا هوا (گل، ۱۳۹۲: ۱۷).

فعالیت‌های اجتماعی غیراجباری به تعبیریان گل (۱۳۹۲)، شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های متنوع شامل دو گروه فعال و منفعل است. تعداد زیادی ارتباط منفعل شنیداری و دیداری وجود دارد مثل تماشا کردن مردم و رخدادها. این شکل ساده ارتباط گسترده‌ترین بخش فعالیت اجتماعی شهری است. ارتباط فعال‌تری نیز وجود دارد؛ مردم سلام و احوال‌پرسی می‌کنند و با آشنایان سخن می‌گویند. در فضاهای خرید، روی نیمکت‌ها و هر جا که مردم منتظرند ملاقات اتفاقی و مکالمات کوتاه روی می‌دهد گاهی ممکن است از این ارتباطات کوتاه ارتباطات گسترده‌تری نشأت بگیرد. ممکن است موضوعات جدید و علایقی مشترک به بحث گذاشته شود. غیرقابل‌پیش‌بینی بودن و خودانگیختگی در این زمینه لغات کلیدی است. در نهایت گروه بزرگی از فعالیت‌های مشترک کم‌وبیش برنامه‌ریزی‌شده نیز وجود دارد مانند حضور در بازارها، بزم خیابانی، ملاقات، رژه و تظاهرات از آن جمله‌اند.

هابرماس (۱۳۸۲) توضیح می‌دهد؛ حوزه عمومی مفهومی بوده که از فضاهای شهری بورژوازی قرن ۱۸ سرچشمه گرفته است. حتی پیش از آن که حوزه عمومی سیاسی شکل بگیرد، حوزه عمومی ادبی زمینه شکل‌گیری حوزه عمومی را با بحث‌های انتقادی در موزه‌ها، سالن‌های مطالعه، سالن‌های تئاتر و کنسرت‌ها فراهم کرده بود.

نکته‌ای اصلی در این بحث هابرماس گفت‌گو به‌عنوان شاخص اصلی حوزه عمومی و ضرورت وجود فضای فیزیکی برای تحقق آن است. باید توجه داشت هر صحبت معمولی در مکان‌های عمومی، به سادگی گفت‌گو انتقادی و روشن‌گر نیست. این وضعیت نیاز به پایه‌های پیچیده‌تری دارد. که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

قاضی مرادی (۱۳۹۱) گپ را نوعی شاخص بسیار گسترده ارتباط گفتاری می‌شناسد که هم در مناسبات اجتماعی الزامی است و هم در گسترش این مناسبات نقش مهمی دارد. گپ تا حدود زیادی، بازتاب فرهنگ اجتماعی در مراودات گفتاری است. از جمله ویژگی‌های گپ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گپ در مجموع، محاوره‌ای صمیمانه است. در گپ حفظ و تداوم ارتباط صمیمی اهمیت بیشتری دارد تا مفاهیم و روشن‌گری از طریق نگرش نقادانه.

- گپ در سطح معمول و مرسوم آن بازی‌ای است که برنده و بازنده بودن در آن چندان اهمیتی ندارد. بی‌اهمیت بودن برنده و بازنده در گپ آن را مصالحه‌جویانه و سازگاری طلبانه می‌کند.

- گپ در سطح معمول و مرسوم، اعجاب‌انگیز و غافلگیرکننده نیست. در این سطح ایده و معنای مشترکی خلق نمی‌شود که شگفتی‌ساز باشد. اگر هم این شگفتی پدید آید جنبه تصادفی دارد. اما وقتی گپ به گفت‌گو نزدیک می‌شود از طریق اعتلای ظرفیت‌های فکری و عاطفی افراد و گسترش باهم‌اندیشی می‌تواند اعجاب و شگفتی آنان را در کنکاش آرای خود و دیگران و رسیدن به مفاهیم و روشن‌گری برانگیزد (قاضی مرادی، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۱۰).

بر پایه آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت تبدیل فضای گپ به فضای گفت‌وگو در فضای فیزیکی فراهم می‌شود اما این موضوع در مناطق شهری دشواری‌های خاص خود را دارد. بیشتر تماس‌ها بین ساکنان شهر زودگذر و جزئی بوده و بیشتر وسیله‌ای برای هدف‌های دیگر هستند تا این‌که به‌خودی‌خود رضایت‌بخش باشند. چنانکه گیدنز توضیح می‌دهد: از آنجاکه کسانی که در نواحی شهری زندگی می‌کنند معمولاً تحرک زیادی دارند، پیوندهای نسبتاً ضعیفی بین آن‌ها وجود دارد (گیدنز^۷، ۱۳۷۳: ۴۲۳-۴۲۴)

علاوه بر دشواری فوق‌چنان‌که کلمن اشاره می‌کند: در این عرصه اعتماد متقابل اهمیت دارد. اعتماد متقابل در روابط انسانی به تسهیل تعاملات اجتماعی در جهت دستیابی به هدف مشترک کمک خواهد کرد. (به نقل از تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۵)

آلتمن^۸ به شکل دیگری از این مسئله می‌پردازد. از نظر وی بی‌میلی به معاشرت و همیاری‌های اجتماعی، ناهنجاری‌های رفتاری و بی‌تفاوتی به عرصه‌های جمعی است. او این عوارض را ناشی از زندگی پرسرعت و فقدان فضاها و مکان‌های جمعی، مناسب قلمداد می‌کند. (به نقل از کوبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

تبدیل گپ به گفتگو نیازمند فضای عمومی فیزیکی و اجتماعی است. تاریخ وجود چنین فضاها به یونان باستان باز می‌گردد. و معمولاً با ملاقات شهروندان برای بحث بر سر موضوعات عمومی گره خورده است، تا بتوانند بحث عمومی آزاد و باز را به وجود آورده و به نگرانی‌های عمومی پاسخ دهد. (۲: ۲۰۱۱: vornokova, pachenkov)

در دنیای امروز، تامپسون^۹ دو نقش اصلی برای فضای عمومی در شهرها قائل است: اول نقش مشخص و کارکردی، که فضای عمومی محیطی دلبذیر را برای ساکنان و گردشگران در شهر فراهم می‌سازد دوم نقش آرمانی، که هدف آن قرار دادن فقیر و غنی و پیر و جوان در تجربه‌ای مشترک به‌منظور دموکراتیزه کردن جامعه است. (کوبی و همکاران، ۱۳۹۱)

حال سؤال این است که در واقع شهرهای امروز و فضاها عمومی آن این امر در عمل چگونه متحقق می‌شود؟ شاید در ابتدا، وجود فضای فیزیکی عمومی و حضور همگان در آن بدیهی به نظر برسد اما با نگاهی به وضعیت فعلی شهرها می‌توان دریافت فضای فیزیکی فعلی به علت تجاری شدن هر روزه ورود بسیاری از مردم را به آن را غیرممکن کرده است. این در حالی است که در تعریف فضای باز عمومی آمده است: "فضاهای بیرونی با آزادی دسترسی برای مردم" و موفقیت آن وقتی است که تبدیل به مکانی برای تعاملات اجتماعی شود و بازدیدکنندگان فراوان را جذب کند تا فعالیت‌های متنوعشان را به تنهایی یا گروهی آنجا انجام دهند؛ فعالیت‌های غیررسمی، آرامش‌بخش، دموکراتیک و غیر تبعیض‌آمیز و در دسترس برای همه طبقات، سنین شامل مردمان معلول و بخش‌های غیررسمی جامعه". (Nasution, Zahrah, ۲۰۱۲: ۲۲)

^۷. Anthony Giddens

^۸. Altman

^۹. Tampon

چارچوب نظری

جمعی بودن فعالیت‌ها و وفور عرصه‌های عمومی شهر سبب می‌شود که زمینه‌های متنوعی برای نمایش زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی متفاوت فراهم شود. حضور حیات جمعی پیاده در شهر از مجموعه برخوردها، روابط رودرروی مردم با یکدیگر و با محیط پیرامونی و باتجربه‌خاطر در ارتباط با آن فضا شکل می‌گیرد. حیاتی است که سبب می‌گردد شهر همچون موجودی زنده در گفتگوی چند سویه با انسان‌ها قرار گیرد. (گل، ۱۳۸۹: ۱۵)

در مفهوم شهر انسانی به تعریف یان گل (۱۳۸۹) پیاده‌محوریت دارد و شالوده‌پیوند فضای فیزیکی و حوزه عمومی را فراهم می‌کند. همه گروه‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن سن، درآمد، پایگاه و زمینه دینی و نژادی می‌توانند در حین انجام کارهای روزانه در فضای شهری رو در رو باهم ملاقات کنند. در چنین شرایطی مردم احساس امنیت و اطمینان بیشتری برای تجربه کردن ارزش‌های مشترک انسانی خواهند کرد که در زمینه‌های متفاوتی اتفاق می‌افتد. این در حالی است که نظریه‌های رایج برنامه‌ریزی شهری فقط بر روی فعالیت‌های ضروری تمرکز کرده‌اند و زندگی شهری را با روند خصوصی‌سازی که روزبه‌روز فضاهای فیزیکی را تحت اختیار خود درمی‌آورد با مخاطره روبه‌رو کرده‌اند.

مطالعات نشان می‌دهند وقتی کنترل با مالکیت فضای عمومی آزاد توسط بخش خصوصی انجام می‌شود، خصوصی‌سازی منجر به تأثیرات منفی خواهد شد. از جمله محدودیت دسترسی و کاهش بیان دموکراسی و کنش‌های متقابل اجتماعی. خصوصی‌شدن فضاهای عمومی می‌تواند به معنی تبدیل فضای باز عمومی به پاساژ، کافه/رستوران، بستنی‌فروشی‌ها، بازارهای مناسبی، مراکز تناسب‌اندام و فضای‌های بازی پولی و امثال این‌ها باشد. (Nasution, ۲۰۱۲: ۲۸)

آماندا بردن^{۱۰} برنامه‌ریز شهری که فضاهایی بسیاری را در شهر نیویورک طراحی کرده است، می‌گوید: «وقتی من به شهرها فکر می‌کنم در مورد مردم فکر می‌کنم. شهرها به‌طور پایه‌ای در مورد مردم هستند. جایی که مردم می‌روند و جایی که مردم یکدیگر را ملاقات می‌کنند هسته‌ای است که باعث می‌شود یک شهر کار کند. در نتیجه چیزی که مهم‌تر از ساختمان‌ها در شهر است، فضای عمومی بین این ساختمان‌هاست.» وی فضای عمومی را هسته اصلی زندگی شهری دانسته و لی این هسته توسط فضاهای تجاری به تصرف در می‌آید چرا که بدون در نظر گرفتن چشم‌انداز آینده، سود توجیه‌کننده اصلی است. در نتیجه خانم آماندا بردن در این برنامه اعلام می‌کند: «منافع تجاری همیشه در جنگ با فضای عمومی هستند چراکه آن‌ها مردم را تنها مشتری می‌بینند. (به نقل از برنامه تد ۲۰۱۴, Amanda Burden).

شاید تشابه خصوصی‌سازی شدن و تجاری شدن حوزه عمومی در مفهوم هابرماس قابلیت تحلیل خصوصی‌سازی شدن فضای فیزیکی عمومی را نیز ممکن سازد. هابرماس در مبحث تغییر در کارکرد سیاسی حوزه عمومی، حوزه عمومی را در معرض هجوم منافع ویژه‌ای می‌داند که در واقع این منافع حوزه عمومی را تبدیل به محل بازنمایی خود کرده‌اند. این

^{۱۰}. Amanda Burden

منافع به هیچ وجه همان منافع افراد خصوصی تشکیل دهنده جمع نبوده و نیستند. تفکیک اولیه حوزه عمومی و خصوصی در ابتدا برای جدا کردن حوزه بازار از حوزه اندیشه و آرا انجام شده بود اما به تدریج هرچه حوزه عمومی بیشتر به عرصه تبلیغات تجاری بدل شد صاحبان منافع ویژه نیز بیشتر بر افراد خصوصی تشکیل دهنده جماعت تسلط پیدا کردند. (هابرماس، ۱۳۸۳: ۲۹۷)

جدا از دلایل و زمینه‌های این تغییر کارکرد حوزه عمومی، موضوعی که این پژوهش بر آن تأکید دارد فضای فیزیکی عمومی است که دقیقاً همچون حوزه عمومی هابرماس در معرض تجاری شدن قرار دارد. و تجاری شدن فضای فیزیکی عمومی منجر به از بین رفتن فضایی است که گروه‌های اجتماعی می‌توانند در آن بدون در نظر گرفتن سن، درآمد، پایگاه و زمینه دینی و نژادی در حین انجام کارهای روزانه رو در رو باهم ملاقات کنند. اما مشکلات وقتی بروز می‌کند که مناطق عمومی وارد منطقه خصوصی می‌شوند به‌ویژه در « سنت منفعت‌گرایی » بخش خصوصی (Krupa, ۱۹۹۳: ۱).

بر اساس تقسیم‌بندی کلی پارکینسون (۲۰۱۲) فضاهای عمومی شهری شامل مکان‌های زیر است:

- امکانات تفریحی عمومی؛ بوستان، حمام‌ها، مسیر پیاده‌روی کنار آب
- امکانات عمومی دیگر مثل کتابخانه‌ها، مدارس، توالت‌های عمومی، مکان برای عبادت
- مکان‌های ساخته شده شهر که یادآور خاطرات و میراث هستند
- فضای طبیعی اطراف محیط ساخته شده
- زیرساخت‌های انرژی، آب یا وسایل حمل نقل عمومی مثل مترو، قطار، اتوبوس
- فضایی که برای نقش خاص دموکراتیک اختصاص داده شده مثل مجلس
- اثرهای تاریخی و خیابان‌ها
- فضاهایی که به همگان تعلق دارد و برای اهداف جمعی اختصاص داده شده است (Parkinson, ۲۰۱۲: ۸۴)

بر اساس موارد فوق یک فضا-مکان عمومی را می‌توان بر اساس چهار معیار شناسایی کرد:

- در دسترس همگان^{۱۱} است.
- از منابع عمومی^{۱۲} استفاده می‌کند.
- تأثیر عمومی^{۱۳} دارد.
- برای اجرای نقش عمومی^{۱۴} استفاده می‌شود. (Parkinson, ۲۰۱۲: ۸۵)

^{۱۱}. openly accessible

^{۱۲}. common recourses

^{۱۳}. common effects

^{۱۴}. public role

بر پایه چهار شاخص فوق بوستان‌های عمومی در شهرها مکان‌هایی هستند که هر چهار ویژگی فوق را هم‌زمان در خود جمع کرده است. در این پژوهش بوستان نشا‌ط واقع در شهر کرمان و استفاده‌کنندگان از آن به‌عنوان یک فضای عمومی فعال مورد پژوهش قرار گرفته است.

با این تأکید که چگونه فضای فیزیکی و شاخص‌های انسانی مرتبط با آن در این بوستان، می‌تواند تعاملات اجتماعی را در یک منطقه شهری (مرکز استان کرمان) تسهیل کند و حوزه عمومی گسترش یابد در این راستا چه موانعی وجود دارد؟

روش تحقیق

روش مطالعه حاضر «مطالعه موردی» است. بر اساس این نوع مطالعه هر واحد اجتماعی همچون یک کل به حساب می‌آید. (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۲۹۶) در این پژوهش برای مستند کردن وضعیت شاخص‌های شهر انسانی در بوستان مذکور از مشاهده میدانی ساختمان‌د و برای مستند کردن شاخص‌های سرمایه اجتماعی از پرسشنامه همراه با مصاحبه استفاده شده است.

شاخص‌های شهر انسانی یان گل (۱۳۹۲) شامل ۱۲ معیار کیفی است.

محافظت:

- در مقابل تجارب حسی ناخوشایند (باد، باران/برف، سرما/گرما، آلودگی، گردوخاک، سرو صدا و نور شدید)
- در مقابل جرم و خشونت و احساس امنیت (قلمرو عمومی سرزنده، نظارت بر خیابان، هم‌پوشانی کاربری در روز و شب، نورپردازی مناسب)
- در مقابل عبور و مرور و سوانح و احساس ایمنی (محافظت از افراد پیاده، حذف ترس از عبور و مرور)

آسایش:

- فرصت آسوده نشستن (پهنه نشستن، بهره‌برداری از مزایا: دید خورشید، مردم، مکان‌های خوب برای نشستن، نیمکت‌هایی برای استراحت)
- فرصت آسوده برای ایستادن/توقف کردن (اثر لبه/منطقه‌های جذاب برای ایستادن/توقف کردن، تکیه‌گاه برای ایستادن)
- داشتن فرصت آسوده برای راه رفتن (فضا برای راه رفتن، نبود مانع، کف سازی خوب، دست رسی برای همه، نماهای جالب)
- داشتن فرصت آسوده برای بازی و ورزش (دعوت به خلاقیت، فعالیت فیزیکی، ورزش و بازی در ساعات و فصول گوناگون)

• فرصت آسوده برای صحبت کردن و گوش فرادادن (سطح صدای پایین، مبلمان خیابانی که «منظر سخن گفتن» را فراهم می‌کند)

• فرصت آسوده برای دیدن (فواصل دید منطقی، خطوط دید غیر منقطع، دیدهای جذاب، نورپردازی در ساعات تاریک)

لذت:

• لذت تجارب حسی مثبت (طراحی و جزئیات مناسب، مصالح خوب، مناظر مناسب، درختان، گیاهان،

آب)

• لذت داشتن فرصتهایی برای لذت بردن از جنبه‌های مثبت اقلیم (سایه/آفتاب، گرما، خیابان، نسیم)

• لذت دیدن در مقیاس انسانی (ساختمان و فضاهای طراحی شده در مقیاس انسانی)

در این پژوهش علاوه بر مشاهده برای مستندسازی وضعیت سرمایه اجتماعی در محدوده مورد مطالعه از مصاحبه همراه با تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. مفاهیم مندرج در این پرسشنامه عمدتاً از شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر پایه ماتریس پیمایشی که برگرفته از چارچوب HOCS (پیمایش شهروندی) GHS (پیمایش بهداشت عمومی خانوار) و چارچوب بلکستر و دیگران در بریتانیا برگرفته شده است.

جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری افراد بزرگسال حاضر در بوستان نشاط شهر کرمان در ساعات گوناگون (سه نوبت صبح، عصر و شب) روزهای اول و آخر هفته سوم مردادماه ۱۳۹۳ است. بوستان مذکور به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز شهر کرمان، نقش میدانگاه را در ترافیک بازی می‌کند و موردی است که می‌تواند به‌عنوان مکانی در حوزه عمومی پذیرفته شود و عناصر مورد نیاز موضوع مورد بررسی را نیز فراهم کند.^{۱۵}

نمونه‌گیری

در این پژوهش برای تکمیل پرسشنامه همراه با مصاحبه از نمونه‌گیری غیر احتمالی استفاده شده است. تا همه فعالیت‌های متنوع و گروه‌های سنی و جنسی گوناگون پوشش داده شوند و یافته‌ها به مرز اشباع برسد. بدیهی است در اینجا همانند سایر مطالعات موردی هدف تعمیم آماری نیست. بلکه رسیدن به نوعی تعمیم نظری است که درک ما را در ارتباط با پاسخ به پرسش پژوهش عمیق‌تر می‌کند.

^{۱۵} - چنان‌که اشاره شد چند نوع فضای عمومی همچون میدان شهری، صحن موزه‌ها، بناهای عمومی و... وجود دارد، در فضای بوستان امکان بررسی انواع فعالیت‌ها در گروه‌های سنی و جنسی گوناگون ممکن و قابل مقایسه است. در حال حاضر، ایران نسبت به تنوع فضاهای عمومی، فقیر است و به دلیل قوانین موضوعه، عرصه عمومی، تلاقی شارع عام دارد و در سنجش بیشتر، فقط عرصه گذر با عرصه برخوردهای جمعی قابل تفکیک است. در نتیجه تنها عرصه باقی‌مانده صرفاً، بوستان‌ها هستند که از برخوردهای جمعی، از ترافیک شهری و تصرفات دولتی، نهادی و خصوصی بر فضاهای شهری، مصون مانده‌اند.

توصیف بوستان مورد مطالعه

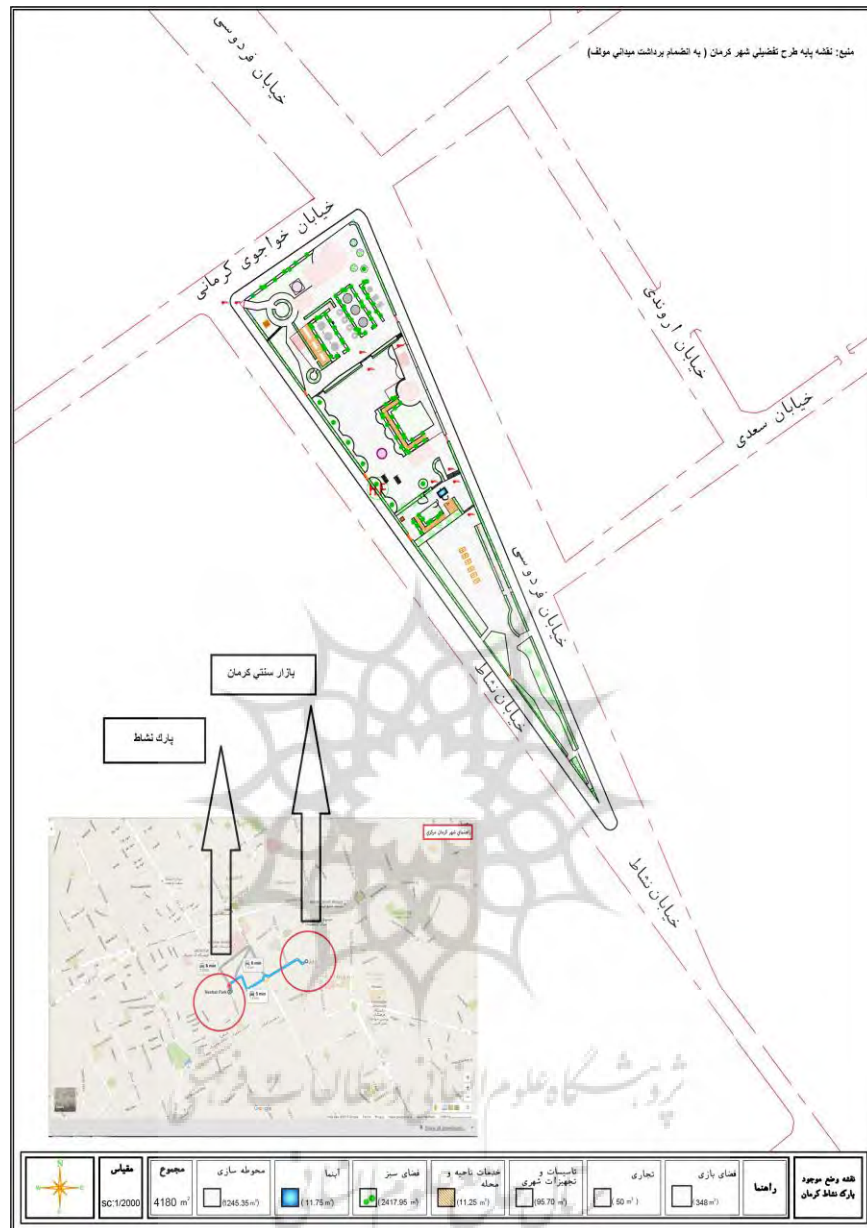
بوستان نشاط کرمان، در حدفاصل خیابان‌های نشاط، خواجه، سعدی و فردوسی واقع شده است، این بوستان از جمله بوستان‌های قدیمی کرمان است که تأسیس آن به سال ۱۳۵۲ بازمی‌گردد بین سال‌های ۷۸ تا ۸۲ شهرداری تعریض خیابان فردوسی در ضلع غربی آن را به انجام رساند تا قبل از این تعریض، بوستان موقعیت بوستان محله‌ای را داشت اما بعدازآن به دلیل ترافیک خیابان‌های نشاط، خواجه، سعدی و فردوسی بیشتر حالت میدانگاهی پیدا کرد. در مرداد ۹۳ نیز راهنمایی و رانندگی به‌طور آزمایشی با یک‌طرفه کردن خیابان نشاط به سمت شمال، بخشی از این خیابان را تبدیل به پارکینگی برای بوستان کرده است و بلوار فردوسی نیز به سمت جنوب یک‌طرفه شده که ترافیک سنگینی را در ضلع شرقی در ساعات شلوغ روز ایجاد می‌کند.

این بوستان مساحتی معادل ۴۱۸۰ مترمربع دارد. از مجموع مساحت مذکور تقریباً ۳۱۷ مترمربع (۷,۶ درصد) به فعالیت‌های بخش خصوصی در قالب فعالیت‌هایی مانند: محیط‌های محصور برای بازی‌های مکانیکی کودکان و فروش اغذیه اختصاص یافته است. بوستان دارای آب آشامیدنی، توالی عمومی قابل استفاده، وسایل بازی کودکان (سرسره) و بازی جمعی بزرگسالان (میزهای پینگ‌پنگ و شطرنج سیمانی، میز فوتبال دستی) است. به دلیل مشجر بودن بوستان محل‌های نشستن متعددی و مناسبی به شکل نیمکت، میز و صندلی‌های سیمانی وجود دارد. روشنایی بوستان در شب با دو نورافکن و تعدادی لامپ‌های فلور سنت تأمین شده است. تعداد استفاده‌کنندگان از بوستان در هفته سوم مرداد ماه ۱۳۹۳، حداکثر ۲۴۰ نفر در عصر جمعه و حداقل ۴۰ نفر در صبح شنبه برآورد شد.

تأسیس این بوستان متعلق به سال ۱۳۵۲ شمسی است. یعنی زمانی که هنوز تسلط ماشین در فضای عمومی بسیار محدود بوده است. بنابراین بوستان با پوشش گیاهی متنوع خود فضای مطلوبی را رقم می‌زند و برای گروهی از شهروندان آن را تبدیل به فضایی ثابت برای بخشی از تعاملات اجتماعی‌شان می‌کند. به‌طوری‌که از مجموع کسانی که به این سؤال پاسخ روشن داده‌اند ۳۷,۵ درصد پاسخ‌گویان باسابقه بین یک تا ۵ سال، ۱۶,۱ درصد باسابقه بین ۶ تا ۱۰ سال و ۱۴,۳ درصد باسابقه بیش از ۱۰ سال از این بوستان استفاده می‌کردند بنابراین این احتمال دور از ذهن نیست که نوعی نوستالژی نسبت به محیط این بوستان فضا را برای آنان بسیار دوست داشتنی و جذاب می‌کند به‌گونه‌ای که با خاطرات گوناگون از تغییرات این بوستان درگذر زمان یاد می‌کردند. (مراجعه شود به نقشه شماره ۱)

در نقشه شماره ۱ فضای داخلی بوستان بر پایه طرح تفصیلی شهر کرمان ترسیم شده است و مختصات آن در نقشه کل شهر نشان داده شده است. این نقشه برگرفته از نقشه پایه طرح تفصیلی شهر کرمان به انضمام برداشت میدانی مؤلف است.

نقشه شماره ۱: فضای داخلی بوستان بر پایه طرح تفصیلی شهر کرمان



مأخذ: نگارندگان

یافته‌ها

در این پژوهش با ۱۶۸ بزرگسال که به نسبت مساوی زن و مرد بودند مصاحبه شد. ۴۳/۶ درصد پاسخگویان ساکن محله‌های اطراف بوستان بودند و ۹/۱ درصد از شهرستان‌های اطراف کرمان برای گذراندن تعطیلات به کرمان آمده بودند و ۴۷/۳ درصد ساکن سایر محله‌های کرمان بودند. در میان افراد پاسخگو از همه گروه‌های شاغلین، بازنشسته‌ها، افراد خانه‌دار بیکاران و دانشجویان حضور داشتند که به نسبت مساوی از شاغلین و بازنشستگان ۲۶/۸ بیشترین سهم را دارا بودند. افراد به‌طور متوسط ۱/۵ ساعت از وقت روزانه خود را در بوستان می‌گذراندند.

جدول شماره (۱) بر پایه یافته‌های پژوهش میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد سنجش را برحسب رضایت پاسخگویان از متغیرهای فیزیکی نشان می‌دهد.

یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های این بوستان آن است که فرصت برای بازی و ورزش‌های متنوعی را برای علاقه‌مندان فراهم کرده است. از جمله بازی پینگ‌پنگ، فوتبال دستی، شطرنج، تخته‌نرد و بازی ورق. معمولاً بازیکنان به نوبت به بازی یا تماشا مشغول می‌شوند. بیشتر به خاطر محدودیت فضای مسطح، بازی‌های کم‌تحرك‌تر در جریان است. با این وجود موردی مشاهده شد که نوجوانان زمین بازی خصوصی شده ماشین برقی را، در زمان‌هایی که آن فعالیت بی‌مشتري است به فضای بازی والیبال مجانی، و البته به‌طور موقت تغییر کاربری می‌دهند.

نکته قابل توجه و وضعیت متفاوت حضور زنان و مردان در فعالیت‌ها و بازی‌های جمعی در بوستان است. توزیع فراوانی برحسب شرکت در فعالیت‌های گروهی و جنسیت نشان می‌داد که در بین فعالیت‌های گوناگونی که در بوستان جریان دارد از جمله: پیاده‌روی، گپ زدن، والیبال، پینگ‌پنگ، شطرنج، پاسور، تخته‌نرد، فوتبال و وسطی، ۶۶٫۶ درصد زنان هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهند و عملاً عضو هیچ گروهی نیستند این نسبت در میان مردان فقط ۲۸٫۸ درصد است.



جدول شماره ۱- میانگین و انحراف معیار بر حسب رضایت پاسخگویان از متغیرهای فیزیکی

متغیر موردسنجش	میانگین	انحراف معیار	نتایج مشاهده میدانی
جای نشستن	۳,۴	۰,۹۵	در ضلع جنوبی بوستان و همچنین سایر قسمت‌ها اعم از مرکز و شمال، تعداد نیمکت‌هایی که پشتی دارند و با قرار گرفتن به دور یک میز فرصت نشستن را فراهم می‌کنند بسیار محدودند (حدود ۱۴ صندلی با میز که ۴ تایشان میز شان شکسته است). اغلب نیمکت‌ها پشت ندارند البته خود کاربران بسته به شکل نیازشان شیوه نشستنشان را از شکل متعارف خارج می‌کنند. بسیاری دیگر از کاربران به‌خصوص کسانی که بیشتر تماشاچی هستند، جایی برای نشستن ندارند. در عصرهای شلوغ‌تر افراد نشستن بر روی سنگ یا چمن را انتخاب می‌کنند چراکه امکان نشستن تماشاچی و بازیکن فراهم می‌شود. در کل تنوع چندانی برای نشستن کاربران بوستان مخصوصاً به‌نوعی که ارتباط و گفتگو را تسهیل کند وجود ندارد. این تنوع تنها حاصل نشستن بر روی چمن و یا ایستادن است یا انواع دیگر تغییراتی که افراد خود متناسب با فعالیت موردعلاقه‌شان ایجاد می‌کنند مثلاً برای بازی تخته‌نرد، با پهن کردن پتو روی نیمکت و نشستن دو سوی به صورت رو در رو موقعیت بازی کردن را فراهم می‌کنند.
فضای ورزش (دویدن و نرمش)	۳,۱	۰,۹۹	بسیاری از افراد از محیط این بوستان برای راه رفتن و دویدن استفاده می‌کنند اما این قدم زدن یا دویدن با موانع بسیار همراه است. سطوح ناهموار بسیاری وجود دارند که بدون توجه به افراد سالمند یا معلول طراحی شده‌اند. برای مثال استاندارد رد شدن ویلچر ۱,۵ متر با شیب ۲۵ درصد است درحالی‌که سطوح شیب‌دار این بوستان نیم متر بوده با شیب ۴۵ درصد و در موارد متعددی با موانعی نیز روبه‌رو است. این وضعیت زمانی بدتر می‌شود که بوستانی با این وسعت، توسط بسیاری از بازی‌های خصوصی شده همچون سرسره بادی، ترامبولینگ اشغال شده است. این در حالی است که بسیاری از پاسخ‌گویان باهدف پیاده‌روی به این بوستان می‌آیند.
سایه/حفاظت از آفتاب	۳,۷	۰,۶۶	بخش جنوبی بوستان در برابر سرو صدا و آلودگی حاصل از ترافیک حفاظت نمی‌شود. در قسمت میانی و شمالی به خاطر پهن شدن عرض بوستان و انبوه شدن پوشش گیاهی بوستان به کاهش سرو صدا کمک کرده و هم نوعی فاصله‌گذاری با فضای بیرونی ایجاد می‌کند. بوستان با درختان خود امکان محافظت از آفتاب را فراهم می‌کند اما در مقابل باد و باران و سرما حفاظتی وجود ندارد. البته علاوه بر پوشش گیاهی بوستان، خانه باغ‌های اطراف بوستان نیز تا حد بر کیفیت هوای مناسب این منطقه در تابستان تأثیر گذاشته‌اند.
نور کافی در شب و نبود افراد مزاحم	۳,۱	۰,۶۴	بخشی از این بوستان با دیواره غربی خیابان نشاط در موازات هم قرار دارند. این دیوار از تنوع کاربری به شدت محدودی برخوردار است و مسافتی طولانی به دیوارهای بلند خانه باغ‌های قدیمی محدود می‌شود. و پیاده‌رو نیز از نورپردازی ضعیفی برخوردار است. در مقابل آن نورپردازی بوستان و شلوغی حاصل از کاربری متنوع آن که تمامی ساعات روز را در برمی‌گیرد، نوعی امنیت خاطر به دنبال داشته است.

<p>بزرگ‌ترین مشکل این بوستان تا قبل از تغییرات ترافیکی در مرداد ۹۳، نبود امنیت شهروندان پیاده برای ورود و خروج به بوستان بوده است. در طرح تعریض خیابان بین سال‌های ۷۸ تا ۸۲ پیاده‌روهای بوستان از عرض ۴٫۵ متر استاندارد پیاده‌رو به ۲٫۵ متر کاهش پیدا کردند در یکی از اضلاع بوستان نیز پیاده‌رو به کلی حذف شد. در تغییرات سال‌های اخیر خیابان نشاط یک‌طرفه شد به گونه‌ای که تقریباً به پارکینگ بوستان تبدیل شده است و همچنین بلوار فردوسی یک‌طرفه شد و تقاطع فردوسی و خواجه چراغ راهنمایی و رانندگی قرار گرفت و خط‌کشی نیز انجام شد تا حدی برای عبور مرور پیاده تصمیمات لحاظ شده است. هرچند که به‌طور آشکار این تصمیمات برای کاهش بار ترافیکی است.</p>	۰٫۹۴	۳٫۴	<p>امنیت پیاده به لحاظ ورود و خروج از بوستان و گذر از خیابان</p>
--	------	-----	--

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در طراحی فضای بوستان برای دعوت مردم به گفتگو توجه چندانی وجود نداشته است، به طوری که تنها تعدادی محدود از نیمکت‌های سیمانی مناسب فضایی برای نشستن و گفتگو کردن را فراهم می‌آورد. که به‌طور قابل توجهی مورد استقبال بودند. علاوه بر این محدودیت، مشاهدات نشان می‌داد فضای گفت‌وگوی جمعی با دشواری دیگری نیز روبه‌رو است، به‌ویژه در نیمه شمالی که آلودگی‌های صوتی موجود در فضا (حاصل دستگاه‌های بازی خصوصی شده اطراف نیمه شمالی که عموماً موسیقی را با صدای بلند پخش می‌کنند) غیرقابل تحمل است.

و در نهایت شاخص مقیاس (فضاهای طراحی شده در مقیاس انسانی) این شاخص در بوستانی که حالتی میدانی دارد بر پایه یافته‌های مشاهده‌ای بررسی می‌شود: بوستان فرصت‌های متنوعی را برای کاربران فراهم کرده است به طوری که یک بوستان مثلثی شکل فضاهای گوناگون را برای کاربردهای گوناگون فراهم کرده است. پوشش گیاهی به‌طور نسبی بوستان را از چشم افراد بیرون از بوستان پنهان کرده و درعین حال فضاهای دنج گوناگونی را برای بازی‌های جمعی، نشست‌های به‌تنهایی و با یکدیگر، گفتگو کردن و حتی برپا کردن چادر سفری و استراحت شبانه (به‌ویژه برای افرادی که بیمار بستری در بیمارستان‌های اطراف آن دارند البته با دشواری‌های معمول خود) ممکن کرده است.

وجود بازی‌هایی همچون ترامبولینگ و سرسره بادی با تصرف فضای عمومی به نفع کسب و کار خصوصی به احساس شلوغی و تنگی دامن زده است. در عمل کودکان با والدینی که توان فراهم کردن امکان بازی با پرداخت پول را دارد بیشتر به سمت شمال بوستان گرایش دارند تا سمت مرکزی که سرسره‌های بازی رایگان در آن قرار دارد. قسمتی از بازی‌های رایگان نیز به خاطر ناامنی و کهنگی و ساییل جمع‌آوری شده است که در نتیجه بازی‌های رایگان را تنها با دو سرسره کوچک محدود کرده است. اما به‌طور کلی میزان رضایت پاسخ‌گویان از بوستان در مجموع ۳٫۶ با حداقل ۱ و حداکثر ۵ و انحراف معیار ۰٫۸۶ بوده است.

یافته‌های پژوهش و وضعیت سرمایه اجتماعی در میان شهروندانی که از بوستان نشاط بهره می‌برند به شرح زیر نشان می‌دهد:

شماره ۲- درصد توزیع فراوانی پاسخ‌گویان با توجه وضعیت سرمایه اجتماعی

نتایج حاصل از پیمایش	متغیر
----------------------	-------

<p>حدود ۵۵ درصد شهروندان حاضر در بوستان ابراز کرده‌اند که در یک فعالیت جمعی، همچون پینگ پنگ، فوتبال، والیبال، فوتبال دستی، شطرنج، تخته‌نرد، بازی با ورق مشارکت دارند. درحالی‌که اگر این مسئله را برحسب جنسیت کندوکاو کنیم چنانکه اشاره شد، ۶۰ درصد زنان در هیچ فعالیت جمعی مشارکت ندارند و تنها به مواظبت از کودکان خود در حین بازی مشغول می‌شوند، درحالی‌که این نسبت برای مردان تنها ۲۹ درصد است.</p>	<p>مشارکت اجتماعی - عضویت در گروه‌ها</p>
<p>۶۲,۵ درصد پاسخگویان فقط در محدوده بوستان با دیگران ارتباط دارند. درحالی‌که مابقی افراد: ۲۱ درصد تلفنی، ۱۰ درصد رابطه خود را به خانه و محل کار گسترش می‌دهند. و ۶,۲ درصد هم ترجیح می‌دهند ارتباط را از طریق اینترنت برقرار ادامه دهند. این مسئله در گروه‌های گوناگون تفاوت دارد. برای مثال درحالی‌که سالمندان تمایل به حفظ این رابطه از طریق تلفن وجود دارد. جوانان تمایل به حفظ تماس از طریق اینترنت اهمیت دارد. به‌علاوه، درحالی‌که ۴۲ درصد جوانان تمایل به حفظ ارتباط خارج از بوستان دارند این نسبت برای میان‌سالان به ۳۰ درصد کاهش یافته و برای سالمندان دوباره به ۵۱ درصد افزایش می‌یابد. به لحاظ جنسیت، درحالی‌که ۵۲ درصد مردان تمایل دارند رابطه خود را در خارج بوستان ادامه دهند، این نسبت برای زنان به ۲۹ درصد کاهش می‌یابد.</p>	<p>شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی - تداوم ارتباطات</p>
<p>در میان پاسخ‌گویان ۴۲,۹ درصد کاربران با خانواده به بوستان می‌آیند، ۳۷,۵ درصد به‌تنهایی و ۱۷,۹ درصد با دوستان خود، در این میان توزیع فراوانی برحسب همراهان بوستان و جنسیت بین زنان و مردان تفاوت نشان می‌دهد. درحالی‌که ۶۰,۷ درصد زنان با خانواده به بوستان می‌آیند ۶۶,۴ درصد مردان تنها به بوستان رفت‌وآمد می‌کنند.</p>	<p>شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی - تعداد ملاقات یا صحبت با همسایگان، خویشاوندان و دوستان</p>
<p>مشارکت اجتماعی - میزان تأثیرپذیری از امور محلی و توانایی تأثیرگذاری بر این رخدادهای از طریق تماس با مسئولین در مجموع ۱۸,۲ درصد پاسخگویان بنا بر ضرورت با اورژانس و نیروی انتظامی تماس گرفته‌اند و در یک مورد با شهرداری. نسبت این تماس بین زنان و مردان متفاوت است. ۲۵ درصد از مردان حداقل یک‌بار تماس گرفته‌اند اما این نسبت در بین زنان ۱۱,۱ درصد است. ولی اکثر اعلام می‌کنند که تماس با شهرداری یا سایر مسئولین بی‌فایده است. که نشانه ناامیدی بر اثرگذاری اجتماعی است.</p>	<p>بده بوستان و اعتماد - اعتماد به افراد شبیه خود یا افراد متفاوت</p>
<p>در مجموع ۶۱,۱ درصد پاسخ‌گویان به افراد آشنا شده در بوستان کمک یا مشورت داده‌اند یا کمک یا مشورتی گرفته‌اند. این نسبت در بین گروه‌های سنی سه‌گانه، متفاوت است. درحالی‌که ۴۷,۶ درصد جوانان ادعا کرده‌اند که به دیگران در بوستان کمک داده و یا کمک دریافت کرده‌اند ۷۰ درصد افراد در گروه‌های سالمندان و میان‌سالان، اقدام به این عمل کرده‌اند. در بین گروه‌های جنسی نیز تفاوت اساسی دیده می‌شود در حالی این نسبت در زنان به ۳۷ درصد محدود است در مردان به ۸۵ درصد می‌رسد.</p>	<p>بده بوستان و اعتماد - کمک کردن و کمک گرفتن</p>
<p>از این میان، لذت بردن از محیط فیزیکی بر اساس ۷ شاخص شهر انسانی شامل: سایه و مراقبت از آفتاب - نور در شب - جای نشستن - فضای بازی بزرگسالان - فضای ورزش - امنیت پیاده به لحاظ رفت‌وآمد و زیبایی محیط در نظر گرفته شد. این رضایت برابر بود با ۳,۲۲ با حداقل ۲,۲۹ و حداکثر ۴,۵۷ و انحراف معیار ۰,۵۴ است.</p>	<p>نگرش به منطقه محلی - نگرش به محیط فیزیکی و لذت بردن از زندگی در آن محله</p>

نتیجه‌گیری و بحث

اندیشمندی هم چون هابرماس بر اهمیت گسترش حوزه عمومی در مناطق شهری تأکید دارند. فضایی که به گفته تامپسون دلپذیر باشد و فقیر و غنی، پیر و جوان بتوانند در کنار یکدیگر به تجربیات مشترک دست یابند و چنان‌که «زاهرا»^{۱۶} اشاره دارد. دسترس به فضایی که غیر تبعیض‌آمیز بوده و همه طبقات اجتماعی و گروه‌های سالم و معلول بتوانند از آن بهره‌مند شوند. پارکینسون بر اهمیت فضاهای عمومی و پیامد ناخوشایند نادیده گرفتن آن‌ها در جوامع شهری تأکید می‌کند.

یان گل با مطالعات خود در مناطق گوناگون جهان به‌طور اثباتی نشان می‌دهد چگونه با ایجاد فضاهای عمومی مناسب می‌توان ارتباطات دیداری و شنیداری منفعل را (حضور افراد ضمن دیدن و شنیدن افراد ناآشنا) به ارتباط فعال (گفت‌وگو و تعاملات اجتماعی) تبدیل گردد.

بر پایه این مجموعه مطالعات، پژوهش حاضر پرسشی را طرح و تلاش کرده که به آن‌ها پاسخ دهد: چگونه یک فضای عمومی مناسب (بر اساس تعریف یان گل) برای تقویت تعاملات اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی (در اینجا بوستان نشاط در شهر کرمان) و گسترش حوزه عمومی تعیین‌کننده است؟ پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در تطبیق بوستان نشاط با معیارهای یان گل این نتایج به‌دست‌آمده است: بوستان به دلیل داشتن درختان کهنسال و پوشش گیاهی مناسب در افراد حس محافظت در مقابل آفتاب، باد، گردوخاک و نور را فراهم می‌کند و در بعضی زوایا به کاهش سروصدا نیز کمک کرده است. درعین حال فضای بوستان به دلیل سرزندگی، نظارت بر خیابان و نورپردازی مناسب احساس امنیت را به کاربران می‌دهد. از طرف دیگر به دلیل وضعیت ترافیکی و کاستن از مساحت پیاده‌رو احساس امنیت کاهش یافته است. درعین حال آلودگی صوتی هم به دلیل ترافیک و هم به دلیل ایجاد فضای خصوصی تجاری وجود دارد. به لحاظ حس آسایش، وضعیت نشستن مناسب نیست. ۱۴ صندلی با میزهای شکسته (در شلوغ‌ترین ساعت عصر جمعه ۲۴۰ نفر در بوستان حضور دارند) جایگاه‌های مناسبی برای نشستن و گفتگوی گروهی وجود ندارد.

نتیجه مشاهدات و پرسشنامه همراه با مصاحبه نشان می‌دهد اولین مکانی که به‌راحتی زمینه آشنایی و تعامل با غریبه‌ها را فراهم می‌کند فرصت بازی و ورزش است. که این امکان بوستان به شکل بازی‌های پینگ‌پنگ، شطرنج و تخته‌نرد وجود دارد. البته در این زمینه میان مردان و زنان تفاوت زیادی وجود دارد. (۲۹ در صد مردان و ۶۶ در صد زنان در هیچ فعالیتی مشارکت نمی‌کنند). نتایج همچنین نشان می‌دهد که بسیاری از کاربران از جنبه‌های مثبت اقلیم لذت می‌برند.

در این پژوهش وضعیت سرمایه اجتماعی بر اساس شاخص‌ها مشارکت اجتماعی و عضویت در گروه‌های حاضر در بوستان، شاخص‌های شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی، شاخص بده بوستان کمک کردن و کمک گرفتن بررسی شد.

نتایج نشان می‌دهد حدود ۵۵ درصد پاسخگویان حداقل در یک فعالیت در بوستان مشارکت دارند. ۶۳ درصد پاسخگویان فقط در محدوده با یکدیگر ارتباط دارند و این شاخص‌ها برحسب جنسیت میان زنان و مردان تفاوت زیادی دارند. درحالی‌که ۵۲ درصد مردان تمایل دارند رابطه خود را در خارج از بوستان ادامه دهند. این نسبت برای زنان ۲۹ درصد کاهش می‌یابد. در ارتباط با متغیر مشارکت اجتماعی (میزان تأثیرپذیری از امور محلی و توانایی تأثیرگذاری بر رخدادها) که با شاخص تعداد افرادی که به مسئولیت در جهت بهبود و تغییر وضعیت تماس گرفته‌اند اندازه‌گیری شد. فقط ۱۸ درصد از پاسخگویان تماس گرفته‌اند. در این مورد هم میان زنان و مردان تفاوت قابل توجهی وجود دارد (۲۵ درصد مردان در مقابل ۱۱ درصد زنان). و اکثریت ابراز می‌کردند که تماس با مسئولین بی‌فایده است

در شاخص بده بوستان و اعتماد، در مجموع ۶۱ درصد پاسخگویان به افراد دیگر در بوستان کمک یا مشورتی داده و یا گرفته‌اند. به نظر می‌رسد موانعی در جهت تسهیل فضای فیزیکی عمومی به فضای عمومی اجتماعی (از دیدگاه هابرماس) وجود دارد. با وجود موقعیت نسبی مثبت بوستان به لحاظ محافظت در مقابل تجارب حسی ناخوشایند، فضاهای آسوده کافی برای نشستن، گفتگو کردن، راه رفتن و بازی وجود ندارد و وضعیت ترافیکی، کاهش فضای بوستان از طریق بخش تجاری، آلودگی صوتی و حضور افرادی که به دلیل نزدیکی به بیمارستان در بوستان چادر می‌زنند و تا حد امکان از تعامل و ارتباط پرهیز می‌کنند و خود موانعی برای مرادات بیشتر تبدیل گپ به گفتگو و پایداری در ارتباطات به وجود آورده است. هرچند که تفاوت‌های دیده شده برحسب جنسیت و سن می‌تواند به متغیرهای دیگری از جمله متغیرهای فرهنگی اشاره داشته باشد که در این پژوهش تبیین نشده است.

پیشنهادها

- از آنجا که بوستان‌ها، به‌عنوان فضاهای عمومی، ثروتی بین نسلی است. تغییر کاربری حتی بخش‌هایی از آن به فضای بازی خصوصی باید ممنوع گردد. و در مقابل فضاهای خصوصی خارج از محیط بوستان اجازه یابند، امکانات تفریحی و فروش اغذیه به پرداخت را در اختیار شهروندان قرار دهند.
- برای کودکان تجهیزات بازی استاندارد و رایگان تعبیه شود به‌طوری که در تمام ساعات روز دسترسی رایگان و آزاد به این تجهیزات ممکن باشد
- از آنجا که زنان عموماً به خاطر مراقبت از کودکان در حال بازی خود تعاملات اجتماعی کمتری برقرار می‌کنند، گاهی به‌اجبار از مشارکت در فضای عمومی بازمی‌مانند. از این رو می‌توان از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد نوعی از بازی‌های مادر کودک را که به‌طور جمعی برای گروه بزرگی از خانواده‌ها فراهم کرد. به‌طوری که زنان

با حضور در بوستان بتوانند در عین مراقبت از کودکان در بازی‌های گروهی همراه با مادران و کودکان دیگر مشارکت کنند. و از طریق این نوع بازی‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی این گروه از زنان را تقویت نمود.

- در طراحی مبلمان بوستان‌ها، مخصوصاً فضاهای نشستن اصل بر تعامل‌های چهره به چهره و گروهی شهروندان گذاشته شود، که زمینه گپ و گفتگو به لحاظ فیزیکی فراهم شود.
- همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، فضای عمومی همچون بوستان باید در اختیار همه شهروندان قرار گیرد پس لزوم توجه به امکاناتی که بوستان را برای افراد سالمند و معلول مناسب می‌کند، حائز اهمیت جدی است. شیب‌های مناسب صندلی‌های چرخ‌دار، پله‌های کوتاه و حتی مسیر پیاده‌روی که برای افراد نابینا تعبیه می‌شود برای همه بوستان مخصوصاً بوستان‌هایی با محوریت محله ضروری است.
- شهروندانی که از سر ناچاری (داشتن بیمار در بیمارستان و...) از فضای بوستان‌ها استفاده می‌کنند با کمک سازمان‌های مردم‌نهاد حامی ساماندهی شوند. به‌طوری که فضای عمومی بوستان برای همگان مکانی برای فراغت و شادی و تعاملات بین فردی اختیاری باشد.

منابع

- استیونسون، نیک. (۱۳۸۹)، *هابرماس، فرهنگ توده و حوزه عمومی*، ترجمه: حسین بصیریان جهرمی و محمد خلجی، پایگاه همشهری آنلاین. بازیابی از تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۳ از: <http://www.hamshahrtraining.ir/news-۳۲۰۵.aspx>
- باثرت، پاتریک (۱۳۸۹)، *نظریه انتقادی یورگن هابرماس، رشد آموزش علوم اجتماعی*، ترجمه: عبدالهادی. ۴۶.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- حبیبی آرش. (۱۳۹۱)، ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات. پایگاه علمی - پژوهشی پارس مدبر، بازیابی از تاریخ ۲۰ مرداد ۹۳ از:
- <http://www.parsmodir.com/db/research/data-collection.php>
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سورده، ترسا. (۲۰۱۱)، *جامعه‌شناسی انقلاب اسپانیا، گفت‌وگوی جهانی*، آ (۵).
- عرفانی حسینپور، رضوانه. (۱۳۹۱)، *نگاهی به قابلیت‌های شهر کتاب برای تبدیل شدن به حوزه عمومی فرهنگی*، پایگاه *انسان‌شناسی فرهنگی*، بازیابی از تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۹۳. از: <http://vista.ir/page>
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰)، *سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر. تهران: آگه
- قاضی مرادی، حسین. (۱۳۹۱)، *شوق گفتگو و گستردگی فرهنگ تک‌گویی در میان ایرانیان*، تهران: نشریات.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳)، *شبکه‌های خشم و امید*، ترجمه: مجتبی قلی پور. تهران: انتشارات آگه.
- کوبکی لیلاد، ایزدی خرامه حسن، عبدالمهدی رحمت اله، سلیمانی رقیه. (۱۳۹۱)، *حیات جمعی در فضای عمومی سبز راه، نگرشی بر تنوع فرهنگی اجتماعی استفاده از فضا: مطالعه موردی پارک خطی باغ بلند شیراز، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*. ۳(۱۱).

- گل، یان. (۱۳۹۲)، *شهر انسانی*، ترجمه: لیلا غفاری و علی غفاری، تهران: علم معماری رویال.
- گل، یان. (۱۳۸۹)، *فضای عمومی و زندگی جمعی*، ترجمه: علی غفاری و صادق سهیلی پور. تهران: دانشکده شهید بهشتی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۳)، *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*، ترجمه: جمال محمدی، تهران: افکار.
- یزدخواستی، بهجت؛ عدلی پور، صمد؛ سپهری، آسیه. (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای صفحات و گروه‌های شبکه اجتماعی فیس‌بوک با نظریه حوزه عمومی هابرماس، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ۲(۱).

- Burden, A. (۲۰۱۴). *Public space makes cities work*. Ted. Newyork, America.
- Hristova, S. (۲۰۰۸). *Imagining the city as space for cultural policy*, Retrieved ۲۰۱۴, from [www.enactc.org/.../imaginig the city as a space for cu](http://www.enactc.org/.../imaginig%20the%20city%20as%20a%20space%20for%20cu)
- Krupa, Frederique (۱۹۹۳). *The Privatization of Public Space*. Retrieved ۲۰۱۴, from <http://www.simple-is-beautiful.org/fredek/pps.html>
- lilia vornokova, cleg pachenkov. (۲۰۱۱). public space in modern cities. *Berkeley planning journal* ۲۴, pp. ۱-۲۴.
- Minton, A. (۲۰۰۶). *What kind of world are we building? The privatisation of public space*. Retrieved ۲۰۱۴, from RICS: www.rics.org
- Nasution, A. D. & Zahrah, W. (۲۰۱۲). Public Open Space's Contribution to Quality of Life: Does privatisation matters? *Asian Journal of Environment – Behaviour Studies*, ۳, ۶۳-۷۴.
- Parkinson, J. (۲۰۱۲). *Democracy and public space: the physical sites of democratic performance*. Oxford University Press.
- Parkinson, J. & Scalvini, M. (۲۰۱۲). Book review: democracy and public space: the physical sites of democratic performance. *LSE Review of Books*.
- Vander Ploeg, M. (۲۰۰۶). "Rethinking urban public space in the context of democracy and altruism". *In Seminar on Urban Altruism*.